

## وکالت تسخیری

**جریان قانونی در کشورها:** متجاوزان پانزده سال است که قانون و کلاه داد گستری مکرر لزوم تغییر قانون را در مورد وکالت تسخیری بوسیله مقالات در مجله قانون و مذاکرات حضوری با وزراء داد گستری تذکر داده است. در این مدت این مسئله در بسیاری از کشورها مورد بحث بوده و قوانین جدیدی وضع شده است که قانون انگلستان و آمریکا نمونه‌ای از برخورد کشورها با این قبیل مسائل و حل آن از طریق اصلاح قوانین است.

در انگلستان و آمریکا قبول نموده اند که تعیین وکیل مدافع از طرف دادگاه برای اشخاص بی بضاعت و اجبار و کلاه داد گستری بقبول آن بدون حق الزحمه عادلانه نیست و خلاف شان و مقتضیات زمان است و هم عملی نخواهد بود و احتیاجات زیادتر از حدی است که برای یک وکیل قابل تحمل باشد. از طرفی کار بلا عوض و برخلاف میل با اصول حقوق بشری که مورد قبول دنیا واقع شده مطابقت ندارد.

بهمین جهات موضوع دفاع از اشخاص بی بضاعت بدون حق الزحمه از میان رفته و اصل دادن پاداش و حق الزحمه در مقابل کاری که بوکیل مدافع ارجاع میشود برقرار گردیده و از وجوه عمومی کشور این مخارج تامین میگردد. اکنون در کشورهای آمریکا و اروپا و آمریکای مرکزی و جنوبی و بیشتر کشورهای آسیائی که نویسنده اطلاع دارم اصل پرداخت حق الزحمه در مورد وکلاء تعیین شده از طرف دادگاه قبول شده و قوانین سابق لغو گردیده.

در بعضی از کشورها از جمله انگلستان برای اینکه سوء استفاده از قانون نشود بموضوع استحقاق تفاضل کننده وکیل مجانی بسادقت بوسیله هیئتی قبلا رسیدگی میکنند و در صورت مسلم بودن استحقاق، وکیل مدافع تعیین میکنند.

**جهت تغییر قوانین:** وکالت تسخیری در زمانی وضع گردید که شرایط خاص زمان ایجاب مینمود. در کشورهای اروپائی تحصیلات رشته حقوق مخصوص افراد ثروتمند و اشراف زادگان بود و لذا قبول وکالت های مجانی که تم داد آن هم قلیل بود تأثیری برای آنها نداشت تحصیلات حقوقی برای همه امکان نداشت برای اینکه افراد بی بضاعت بدون وکیل مدافع نباشند آنها را قانونا ملزم بقبول وکالت میکردند در واقع ضرورت زمان باعث شده بود که در میان تمام رشته های علمی فقط این کار بدون حق الزحمه بوکلاء داد گستری تحمیل شود.

زمان نشان داد که وکلاء مدافع این امر قانون را با نهایت خوشروئی در همه کشورها استقبال نمودند و برای دفاع از مردم بی بضاعت آنچه در قوه داشتند کوشیدند. در کشور ما قضات محترم بهترین شاهدانند که وکلاء دادگستری با وجود کثرت مراجعات وکالت تسخیری چگونه با صمیمیت و صرف وقت از متهمین بی بضاعت دفاع میکنند. با آنکه در بسیاری از موارد اشخاص از این کمک قانونی سوء استفاده و با وجود قدرت پرداخت حق الوکاله از انتخاب وکیل مدافع و پرداخت حق الزحمه خودداری دارند که چند روز قبل خودم نمونه آنرا مشاهده نمودم اکنون متجاوز از نود درصد محاکمات کیفری ما از طریق وکالت تسخیری است و نصف اوقات وکلاء و شاید در بسیاری از موارد بیش از نصف مشغول محاکمات تسخیری است و اخیراً که اوقات محاکم دوسره شده بیشتر وکلاء از کار کردن در دفاتر خود بعد از ظهرها محروم هستند و در شهرستانها وضع بدتری از نظر وکلاء وجود دارد. یکی از وکلاء دادگستری مشهد صورتی بکانون وکلاء دادگستری از محاکمات تسخیری یکساله خود فرستاده بود که نشان میداد در يك سال قریب هشتاد پرونده با وارجاع شده است در تهران هم وکلای هستند که در سال متجاوز از چهل مرتبه بوکالت تسخیری تعیین شده اند و با توجه باوقاتی که برای مطالعه پروندهها و حضور در محاکم لازم است صرف شود و غالب اوقات طولانی بودن محاکمات معلوم خواهد شد که وکلاء دادگستری با چه زحمتی روبرو هستند و تاکنون برای دفاع از متهمین بی بضاعت و ابراز همکاری و صمیمیت با دستگاه قضائی و اولیاء امور دولت و کمک بحل مشکلات اجتماعی زمان خود تا چه اندازه صادقانه و صمیمانه فداکاری و همکاری نموده اند ولی متأسفانه دوام این وضع دیگر ممکن نخواهد بود.

**همه چیز عوض شده :** وقتی درست توجه کنیم موجبات وجهاتی که در يك زمانی برای وکالت تسخیری وجود داشت دیگر وجود ندارد. عده حقوق دان در کشورها زیاد شده و دانشکده های حقوق بروی همه طالبین علم حقوق باز است. در زمان سابق کشورها وجوه کافی در اختیار نداشتند و درآمد دولت ها از طریق مالیات بیشتر از گمرک و از زمین بود. دنیای امروز وضع اقتصادی را تغییر داده ثروتها در کشورها زیاد شده و دولت ها از طریق مالیات های سنگین هزینه های کشوری را تامین میکنند وضع زندگی افراد نیز تحت قواعدی درآمدی صاحبان مشاغل درآمدی ندارند که هر گاه بیشتر وقت خود را صرف کارهای مجانی کنند قدرت ادامه شغل و زندگی را با وجود افزایش هزینه زندگی همه ساله داشته باشند.

زمانی هیچ طریقه ای برای کمک ب مردم بی بضاعت وجود نداشت و وکلاء دادگستری را ملزم میکردند که تقیصه اجتماعی مربوط با افراد بی بضاعت را از جهت نداشتن وکیل مدافع بافداکاری خود بر طرف سازند ولی دنیای امروز عوض شده است اصلاحات اجتماعی در درجه اول اهمیت قرار گرفته و برنامه های عظیم اجتماعی بمرحله اجرا گذاشته شده است که در تمام شئون از بهداشت و بهداری و فرهنگ و کار و غیره پیشرفت های اجتماعی حاصل شده و اصلاحات

اجتماعی اساس ضرورت زمان قرار گرفته است و بنا بر این همانطور که تامین بهداشت و فرهنگ بعنوان يك ضرورت اجتماعی محسوب میشود تامین وسیله دفاع از افراد بی بضاعت هم يك ضرورت اجتماعی است زیرا در سابق قوانین بمیزان امروز نبود و روابط حقوقی افراد با یکدیگر و بادولت و موسسات عمومی و شهرداریها و غیره انقدرها توسعه نداشت ولی قوانین امروز روابط مردم را با یکدیگر و مراجع دولتی و ملی و غیره زیادتر کرده است و حجم کارهای مربوط بمسائل حقوقی آنقدر زیاد شده که از عهده افراد برنمیآید و باید مثل امور دیگر از نظر اجتماعی مشمول کمک و حمایت دولت واقع شود.

در کشور، بیمارستانها و مدارس زیادی وجود دارد و همه ساله بر تعداد آن افزوده میشود برای بیمارستان پزشکی و برای مدرسه معلم و برای راه سازی مهندس لازم است دولت تکالیف خود را در این موارد یعنی تهیه پزشکی و معلم و مهندس چگونه انجام میدهد؟ آیا هیچ پزشکی و مملی و مهندسی کارمجانی انجام میدهد؟ چه فرق است بین ضرورت تهیه وسیله دفاع در محاکم برای افراد بی بضاعت و تهیه معلم برای مدرسه و پزشک برای بیمارستان که در مورد اول باید وکیل مجانا انجام وظیفه مرجوع از طرف دادگاه را بنماید و در مورد دوم وسوم تادولت حق الزحمه نپردازد الزامی بمعالجه و تدریس ندارند؟ در مقابل تساوی حقوقی که افراد در مقابل قانون و در مورد کار کردن دارند این تبعیض بر ضرر و کلاء چگونه توجیه و تعبیر میشود؟

قانون وکالت تسخیری از قوانینی است که از نظر زمان منسوخ است زیرا مطابقت با شرائط و شئون و مقتضیات زمان و آنچه در دنیا متداول است ندارد و مخصوصا باماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر که کشور ایران نیز آنرا تصویب نموده سازگار نمیشود:

۱- هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب کند، شرائط منصفانه و رضایت بخش برای کار خواستار باشد.

۲- همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی اجرت مساوی دریافت دارند.

۳- هر کس که کار کند بمزد منصفانه و رضایت بخش ذیحق میشود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تامین کند و آنرا در صورت لزوم با هر نوع وسائل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید.

**اصطلاحات اجتماعی و وکلاء دادگستری:** وکلاء دادگستری از هر گونه اقداماتی که بمنظور اصلاحات و پیشرفت های اجتماعی میشود حسن استقبال میکنند. امروزه روابط مردم با قوانین طوری است که اگر با افراد بی بضاعت از جهت داشتن وکیل مدافع کمک شود توجه

بيك احتياج اجتماعى است و دليل پيشرفت اجتماعى کشور است. و کلاه با نهايت صميميت در پيشرفت اين منظور کمک ميکنند و خواهند نمود و موضوع دادن حق الزحمه بسرآي امکان انجام اين خدمت اجتماعى است و حقى است که وکیل دادگستري مثل هر يك از افراد ديگر کشور دارا ميباشد بهمان نحو که استاد و معلم و پزشک و مهندس خدمت مجانى انجام نميدهند خدمت مجانى وکیل مدافع هم مورد ندارد و مطابق شئون و مقتضيات و رويه زمان نيست و قبول اين خدمت بوسيله وکیل يا الزام او بر عدم مطالبه از شخصى که بوسيله دادگاه وکالت او تعيين شده ملازمه با عدم استحقاق مطالبه حق الزحمه از مرجعى که او را معين ميکند ندارد و وکیل حق دارد که از دولت مطالبه حق الزحمه عمل خود را بکند .


در امريکا چنين واقعه اى بوجود آمد در شماره هشتم سال ۱۹۶۵ مجله حقوقى کانون وکلاء امريکا شرح محاکمه وکيلی را ميدهد که براى دفاع از شخص بى بضاعتى تعيين شده بود با آنکه تعيين وکیل مزبور باستناد قانون بود معذالك وکیل مزبور از دولت مطالبه حق الزحمه نمود و دادگاه فدرال ايالت (OREGON) (اورگان) دولت را محکوم پرداخت حق الزحمه يکصد و هشت ساعت کار شغلى از قرار ساعتى سى و پنج دلار نمود و اساس حکم دادگاه اين بود که وکیل ملزم بقبول وکالت از نظر قانون است ولى دولت که حسب قانون اختيار تعيين او را داشته طبق اصول بايد حق الزحمه او را نيز بپردازد و الزام وکیل به قبول وکالت و الزام دولت به پرداخت حق الزحمه وکیل دو امر جدا گانه ايست و بهيچوجه منظور از تعيين وکیل جهت اشخاص بى بضاعت آن نيست که دولت معاف از تاديبه حق الزحمه وکیل باشد.

مطلب جالب توجه ديگرى که در همين شماره مجله کانون وکلاء امريکا بنظر ميرسد اين است که در امريکا يك وکیل دادگستري با آنکه پاداش هم باو داده ميشود خدمت متوسط سالى يکبار ياهر دو سال يکبار از طرف دادگاه تعيين ميگردد و اگر آنرا با مراجعات تسخيرى وکلاء دادگستري ما تطبيق کنيم بارزش خدماتى که وکلاء دادگستري خودمان تاکنون انجام داده اند بيشر متوجه ميشويم با آنکه معيشت وکلاء امريکا از کارشان تا مين است و پس انداز هم دارند ولى در آمد بسيارى از وکلاء دادگستري ما که اين خدمات مجانى را انجام ميدهند براى معيشت کافى نيست .

نکته ديگر قابل توجه اين است که از برنامه هاى دنياى و کشور ما هم يکى اين است که براى افراد کار تهيه شود قانون در مورد وکالت هاى تسخيرى با اين چنين برنامه اى مغايرت دارد زيرا ارجاعات زياد دادگاه ها باعث ميشود که قسمت عمده وقت وکیل مدافع صرف امور تسخيرى گردد و از کار هاى که درآمد براى او دارد محروم شود در انگلستان براى اينکه هم آزادى وکلاء در کار رعايت شود و هم آنکه عده کافى وکیل آماده گى قبول ارجاعات تسخيرى را داشته باشند براى وکالت تسخيرى داوطلب ميخواهند و چون حق الزحمه داده ميشود هميشه عده کافى وکیل بمنوان داوطلب از طرف کانون وکلاء بدادگاه ها معرفى ميگردد.

در آمریکا دولت برای اینکه هم برای وکلاء دادگستری کار تهیه شود و هم احتیاجات افرادی که در خدمت سربازی هستند از نظر امور حقوقی رفع شود در سربازخانه‌ها عده کافی وکیل مدافع جهت راهنمایی و مشورت استخدام میکنند منظور این است برای این موضوع راه‌حلهایی در کشورهای مختلف در نظر گرفته شده و موضوع وکالت تسخیری از صورت سابق خارج شده است .

در خاتمه این تذکر لازم است که وضع فعلی وکالت تسخیری بصورتی درآمده که برای وکلاء دادگستری وقتی و مجالی باقی نمیگذارد که بتوانند برای همیشه خود درآمده تهیه کنند و فرصت مطالعه برای آنها نیست و از پیشرفت علمی محروم خواهند بود و حتی تآمدتی از اوقات شب را باید در دادگاه‌ها حاضر باشند از طرفی هزینه زندگی افزایش مییابد بر مالیات‌ها افزوده شده است هیچ امیدی بآینده از نظر تامین اجتماعی نیست از آن طرف با این گرفتاریها و کثرت کارهای تسخیری وقتی برای مطالعه پرونده‌ها باقی نمیماند و بتدریج دفاع از متهمین بی بضاعت ارزشی را که باید دارا باشد نخواهد بود و کمیت کار کیفیت را در خود مستهلك خواهد نمود . منظور اصلی دولت از نظر کمک‌های اجتماعی در عمل بنحوی که مطلوب است انجام نخواهد شد دولت همانطور که برای امنیت، بودجه‌های خود را همه ساله افزایش میدهد میتواند موضوع تامین احتیاجات حقوقی افراد بی بضاعت را هم در بودجه‌های خود تامین کند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی